

ابعاد فقهی مجازات زندان

مهدی بیژنی

دانشجوی کارشناسی الهیات گرایش فقه و مبانی حقوق
دانشگاه امام صادق(ع)

mehdibijani@gmail.com

چکیده

برقراری امنیت و نظام اجتماعی و بهبود وضع جامعه به تشویق و پاداش نیکوکاران مجازات و کیفر بدکاران بستگی دارد. اسلام در تعالیم رهایی بخش خود کوشیده است انسان‌ها را با برنامه‌های تربیتی و اخلاقی و خودسازی از یک طرف و اصلاح محیط سازنده از سوی دیگر، فضایی را فراهم آورد که در آن موجبات نگاه و ارتکاب معاصی و جرایم از بین رفته باشد و علاج واقعه را قبل از وقوع آن کرده باشد. بدین معنی که بر اساس برنامه‌های تربیتی اسلام اکثریت افراد در جامعه اسلامی یا از تربیت والای اسلامی برخوردارند و یا دست کم تحت تاثیر محیط سالم قرار دارند. با این همه عده‌ای که تعداد آنان بسیار اندک است میل ندارند آزادانه اصلاح شوند و در صدد هستند که از هر فرصتی سوء استفاده کرده و دست به خیانت و تجاوز به حقوق دیگران بزنند و با اعمال ناشایست و نادرست خود به دیگران ظلم روا دارند و عدالت اجتماعی را زیر پا گذارند. در اینجا اسلام برای درمان این افراد عاصی و مجرم، گذشته از مجازات و عقاب شدید اخروی، در دنیا نیز قوانینی به عنوان نظام کیفری اسلام وضع کرده است. تا با اعمال آن مجرم را کیفر و ضمن اینکه موجبات اصلاح و تربیت آنان را فراهم آورد به دیگران نیز درس عبرت بیاموزد تا از ارتکاب جرایم دوری کنند. این هم یکی از راه‌های پیشگیری از وقوع جرم در شریعت اسلامی است. جایگاه مشروعیت زندان در دین اسلام مورد اتفاق نظر تمام ائمه اطهار و فقهای دین می‌باشد و زندان در شریعت اسلامی گاهی به عنوان حد و گاهی به عنوان تعزیر معرفی شده است و حکومت اسلامی موظف است تا نیازهای زندانی را در داخل زندان و خارج زندان، از جمله مخارج زندانی و مخارج خانواده وی را بر عهده بگیرد و زندانی را بعد از آزاد شدنش از زندان، مورد حمایت اجتماعی قرار دهد.

واژگان کلیدی:

زندان، زندانی، مجرم، اصلاح و تربیت، قوانین اسلامی، مجازات

مقدمه:

در این مقاله کوشیده‌ایم به این پرسش مهم از متون دینی شریعت اسلامی پاسخ دهیم که: آیا در شریعت اسلامی به عنوان یک دین آسمانی جاویدان که در آن تمام دستورات لازم برای یک زندگی دنیوی و اخروی سعادت‌آفرین برای انسانیت فراهم شده است، زندان به عنوان یک مجازات برای کیفر مجرم پذیرفته شده است یا نه؟ اگر پاسخ مثبت است در چه مواردی به حبس مجرم حکم می‌شود؟ جایگاه زندان در مجازات‌های اسلامی کجاست؟ این مقاله شامل ۲ بخش می‌شود. بخش اول مقاله شامل ۵ فصل می‌باشد. در فصل اول، زندان را به عنوان یک مجازات بررسی و کلمات مترادف آن را در زبان عربی آورده‌ایم. حبس شرعی را توضیح و هدف از آن را بیان نموده‌ایم. در فصل دوم که آن را به بررسی مشروعیت زندان اختصاص داده‌ایم، در چهار قسمت به تناسب چهار منبع فقه اسلامی، مشروعیت آن را اثبات نموده‌ایم. در اثبات مشروعیت زندان از دیدگاه قرآن به بررسی چهار آیه از (سوره نساء آیه ۱۵، سوره مائده آیه ۳۳ و آیه ۱۰۶، سوره توبه آیه ۵) پرداخته‌ایم. از سنت قولی و فعلی نیز شواهد فراوان را از رسول اکرم (ص) و ائمه معصومین آورده‌ایم. فصل سوم را به موارد و موجبات زندان در اسلام اختصاص داده‌ایم. منظور از موارد،

آن مواردی است که رسول اکرم (ص) و ائمه (ع) به زندان حکم کرده یا در روایات منقول از آنان به ما رسیده است. در فصل چهارم، به موجبات زندان که در حقیقت نتایج حاصل از موارد است، اشاره کرده‌ایم و منظور از آن، جرایمی است که سبب می‌شود مجرم را به زندان محکوم کنند و اختصاص به کیفرهایی دارد که علاوه بر مجازات، مجرم باید حبس نیز تحمل کند، در فصل پنجم، به این پرسش پاسخ گفته‌ایم که آیا می‌شود مدت محکومیت را در قبال پرداخت مبلغی که میزان آن متفاوت است خرید یا نه؟ بخش دوم به رفاه زندانیان اختصاص داده شده است و شامل ۶ فصل می‌باشد. در فصل اول بیان شده است که باید مسئله اشتغال زندانی و آموزش یک حرفه مناسب به زندانی که وی را قادر سازد پس از آزادی از زندان روی پای خود بایستد و از سوی افراد جامعه پذیرفته شود، در طی مدت محکومیت و دوره پس از آزادی مد نظر مسئولان قرار بگیرد و از آن غفلت نکنند. در فصل دوم، مخارج زندان و زندانی را در ۲ قسمت مورد بحث قرار داده‌ایم: مخارج ساختمان، تعمیرات، پرسنل انتظامی، و کادر اداری از یک طرف بر عهده حکومت است و مخارج زندانی که در این باره به اختلاف نظر فقها اشاره شده و بیان کرده‌ایم که روایات نظر به پرداخت آن از بیت‌المال دارد. در فصل سوم، جواز ارتباط زندانی با محیط خارج از راه مکاتبه، ملاقات و مرخصی بیان شده است. در فصل چهارم، با توجه به نقش ریاست و مدیریت خانواده که بر عهده پدر است، کفالت خانواده زندانی را در دوران تحمل محکومیت زندان بررسی و بیان کرده‌ایم. در فصل پنجم، ممنوعیت شکنجه در زندان و تفاوت اساسی آن را با حدو کیفر بیان و عدم جواز شکنجه را گوشزد مسئولان نموده‌ایم. در آخرین فصل مسئله عفو و بخشودگی را مورد بررسی قرار داده‌ایم. ابتدا از اهتمام و تاکید فراوان شریعت اسلام در مورد عفو و گذشتن از خطای دیگران و سپس به بیان عفو در حدود و تعزیرات و سپس به بیان آن در مورد زندان پرداخته‌ایم. در نتیجه‌گیری نیز نتایج حاصل را برشمرده‌ایم. در پایان نیز تحت عنوان کتاب‌نامه منابعی را که در تحریر و نگارش این مقاله از آنها سود جستیم، آورده‌ایم. در نتیجه‌گیری نیز نتایج حاصل را برشمرده‌ایم. در پایان نیز تحت عنوان کتاب‌نامه منابعی را که در تحریر و نگارش این خلاصه از آنها سود جستیم، آورده‌ایم.

بخش اول: احکام زندان در اسلام

حبس در شریعت اسلامی نگاه داشتن انسان در جای تنگ نیست بلکه تعویق شخص و جلوگیری از تصرف آزادانه وی می‌باشد

فصل اول: زندان به عنوان یک مجازات

از آنجایی که بحث ما از زندان با استناد متون دینی اسلامی است که به زبان عربی می‌باشد در اینجا به بررسی الفاظ عربی می‌پردازیم. اما بیش از هر چیز دو لفظ مشهور حبس و سجن را در کتب لغت می‌بینیم. سپس به سراغ آیاتی می‌رویم که در آنها الفاظ فوق‌الذکر آمده و مفسران آن را به معنی زندان گرفته‌اند.

الف) سجن

۱) صحاح اللغه: «السجن و السجن بالفتح: المصدر و قد سجنه یسجنه ای حبسه»^۱
 ۲) المفردات فی غریب القرآن: «السجن: الحبس فی السجن. و قرنی: درب السجن احب الی، بفتح السین و کسرها. قال: لیسجنته حتی حین و دخل معه السجن»^۲.

ب) حبس

۱) صحاح اللغه: «الحبس ضد الخلیه و حبسه و احتبسه بمعنی و احتبس ایضاً بنفسه یتعدی و لا یتعدی و تجبس علی کذا ای حبس نفسه علی ذلک. الحبسه بالضم الاسم من الاحتباس... و سمی مصنعه الماء حبساً»^۳
 ۲) المفردات فی غریب القرآن: «الحبس المنع من الانبعاث، قال عزوجل: (تحبسونهما من بعد الصلاه) و الحبس مصنع الماء الذی یحبسه و الاحباس جمع و التحبیس جعل الشئ موقوفاً علی التا بید یقال هذا حبیس فی سبیل الله»^۴

با نگاهی به نظرات بزرگان اهل لغت در معانی دو واژه سجن و حبس بدست می‌آید که هر دو دارای یک معنی کلی است و آن ممانعت از دخل و تصرف آزاد و جلوگیری از انجام اعمال آزادانه است. ما در بحث دیگری با استناد به اقوال همین بزرگان لغوی ثابت خواهیم کرد که در سجن و حبس مکان نهفته نیست. لذا زندان به معنی مکان حبس چندان خصوصیتی در این مجازات ندارد. آنچه مهم است سلب آزادی فرد است و جلوگیری از تصرفات آزاد و دل‌بخوایی وی نه چیز دیگر.

حبس شرعی

در اینجا می‌خواهیم ببینیم در شریعت اسلامی حبس به چه معناست و آنچه که منظور شارع مقدس است، چیست؟ حبس در

شریعت اسلامی نگاه داشتن انسان در جای تنگ نیست بلکه تعویق شخص و جلوگیری از تصرف آزادانه وی می‌باشد که می‌بایست از هرگونه شکنجه و آزار بدور باشد. امام علی (ع) در مورد ابن ملجم سفارش فرمود: این اسیر را حبس کنید و او را طعام دهید و نیکو نگهداری کنید.^۵ دیگران هم همین مفهوم را از زندان اراده کرده و گفته‌اند: حبس عبارت است از تعویق و منع شخص از تصرف آزاد خواه در خانه باشد یا در مسجد یا اینکه خصم یا وکیل او ملازم و همراه وی باشد.^۶ اما در آئین‌نامه زندان‌های ایران زندان چنین تعریف شده است. زندان عبارتست از محل حفاظت محکومان و موسسه‌ای است تربیتی و درمانی که افراد زندانی را به حکم مقامات صلاحیت‌دار قانونی برای مدتی که محکوم به اقامت در این محل می‌شوند، پذیرفته و نسبت به اسکان و حفاظت و بهداشت و درمان نارسایی‌ها و بیماری‌ها و همچنین آموزش و پرورش علمی و حرفه‌ای و غیره موجبات عادت دادن آنان به زندگانی عادی اهتمام و اقدام می‌نماید.^۷

الف) سجن در قرآن

۱- رب السجن احب الی مما یدعوننی الیه (یوسف/۳۳)

۲- لا تجعلنک من المسجونین (شعراؤ/۹۲)

ب) حبس در قرآن

۱- ... تحبسونهما من بعد الصلاه فیکسمان بالله اربتم (مائده/۶۰)

۲- و لادن افزنا عنهم العذاب الی امه محدوده ليقولن ما یحبسه (هود/۸)

فصل دوم: مشروعیت زندان

مجازاتهای اسلامی باید قانونی و مشروع باشد بدین معنی که مشر و عیت خود را به یکی از منابع فقه اسلامی که عبارتست از: کتاب، سنت، اجماع و عقل، مستند سازد. هرچند اگر مجازاتها به یکی از این منابع چهارگانه مستند باشد. در عمل به آن، کفایت می‌کند اما از باب اینکه مشروعیت آن را در شرع مقدس اسلام به طور کامل به اثبات رسانیم، خواهیم کوشید که مشروعیت زندان را به ترتیب از کتاب، سنت، عقل و اجماع بدست آوریم. لذا ابتدا از کتاب و سنت شروع می‌کنیم که مهمترین و اساسی‌ترین منابع فقهی اسلام خصوصاً فقه شیعه است.

۱) مشروعیت زندان در قرآن:

در اینجا به دلیل حجم زیاد مطالبی که در قرآن درباره این موضوع وجود دارد ما فقط

است از: گفتار، کردار و تقریر معصوم (ع)^{۱۴} ما در اینجا به سنت قولی و به اصطلاح گفتار معصومین (ع) در مشروعیت زندان خواهیم پرداخت. ابوداود حدیثی را به شرح زیر از ابراهیم بن موسی رازی از عبدالرزاق از معمر از بهز بن حکیم از پدرش از جدش نقل کرده است که: «رسول اکرم (ص) مرد متهمی را حبس کرد»^{۱۵} همین روایت را ترمذی، سنائی و حاکم نقل کرده‌اند لیکن ترمذی و سنائی افزودند: سپس او را آزاد کرد.^{۱۶} ما در اینجا بخشی از گفتار معصومین (ع) را در مورد حبس و زندانی کردن بیان می‌کنیم. ابا عبدالله فرمود: ۳ نفر داخل زندان نمی‌شوند: ۱- کسی که در حال موت است. ۲- انسانی که از اسلام برگردد ۳- دزدی که دست و پایش را قطع کرده باشند.^{۱۷} از امام سجاد (ع) در مورد مردی که با خواهرش زنا کرده است، پرسیده شد. ایشان فرمودند: او را باید با یک ضربه شمشیر زد. اگر بر اثر این ضربه کشته شد که هیچ ولی اگر زنده ماند باید او را زندانی کرد تا وقتی که مرگش فرارسد.^{۱۸} این بود بخشی از روایاتی که از پیشوایان معصومین (ع) به ما رسیده است. مبنی بر جواز کیفر مجرمان به مجازات زندان. تلاش ما در این بود که فقط سنت قولی آنان را بیاوریم. در فصل مربوط به موارد زندان و موجبات آن بیشتر خواهیم کوشید تا از سنت فعلی آن بزرگواران شاهد بیاوریم.

خلیفه باید بنگرد که اگر این راهزنان فقط راه را ناامن کرده و کسی را نکشته و مالی را نگرفته‌اند، باید آنان را به زندان افکند، زیرا معنای نفی آنان از زمین زندانی کردن است به واسطه این که راه را ناامن کرده‌اند^{۱۹} از مجموع آنچه نقل شد اعم از روایات و نظرات مفسران درباره معنای «او ینفوا من الارض» این نتیجه گرفته می‌شود که حبس به طور اجمال در اسلام براساس این آیه مبارکه مشروعیت دارد و امام می‌تواند کسی را که به نامنی راهها پرداخته است به زندان افکند.

۲) مشروعیت زندان از سنت:

دومین و اساسی‌ترین منبع فقه پس از کتاب خدا (قرآن مجید) سنت است. منظور از سنت، گفتار، کردار و تقریر رسول اکرم (ص) می‌باشد.^{۲۰} لیکن فقهای شیعه، چون پیشوایان معصومین (ع) و حضرت زهرا (س) را حجت خدا بر بندگان و واجب‌الاتباع می‌دانند در اصطلاح اصولی سنت توسعه داده و آن را چنین تعریف کرده‌اند. سنت عبارت

حبس به طور اجمال در اسلام براساس این آیه مبارکه مشروعیت دارد و امام می‌تواند کسی را که به نامنی راهها پرداخته است به زندان افکند.

یک آیه از قرآن را که در مورد مشروعیت زندان بحث کرده است را مورد بررسی قرار می‌دهیم. «اذا قطع الطريق للصوص و اشهروا السلاح و لم یاخذوا مالا و لم یقتلوا مسلماً ثم اخذوا حبسوا حتی یموتوا و ذلک نفیهم من الارض»^{۲۱} سردسته کسانی که نفی را در این آیه مبارکه به زندان معنا کرده‌اند ابوحنفیه است^{۲۲} مالک ابن انس آن را به زندانی کردن در شهر دیگری غیر از شهر محل جنایت معنا کرده است.^{۲۳} کسانی که گفته‌اند نفی یعنی زندانی کردن چنین استدلال کرده‌اند که نفی حقیقی از زمین امکان ندارد چرا که به هر کجا تبعید کنیم باز همین است. پس باید معنای آن را حبس بدانیم. زیرا در زندان نمی‌تواند مانند سایر مردم تصرف آزاد داشته باشند. در تنویر المقباس تفسیر ابن عباس نیز (او ینفوا من الارض) چنین تفسیر شده است: در زندان محبوس شوند تا اینکه آثار اصلاح در آنان ظاهر شود و توبه کنند. می‌گوید: کیفر کسانی که در راهها مردم را می‌ترسانند. اما از آنان چیزی به یغما نمی‌برند و کسی را نمی‌کشند، زندان است.^{۲۴}

از بزرگان شیعه صاحب وسائل الشیعه در باب حد محارب روایتی نقل شده است که صراحتاً معنای نفی را حبس می‌داند: روایت این است که: امام جواد (ع) در پاسخ معتصم فرمود: آنچه در این باره ضرورت دارد. اینکه



۳) مشروعیت زندان از نظر عقل:

این یک قاعده عقلی است که باید مصالح، امنیت، نظام و عدالت اجتماعی و نیز منافع و مصالح فردی و اجتماعی حفظ شود و از دستبرد هوس بازان و افراد خلافکار مصون بماند. جان، مال، فرد، دین و آبروی افراد باید محفوظ بماند و احدی نتواند بخود اجازه تعرض بدان را بدهد. از سوی دیگر این هم یک اصل پذیرفته شده است که باید خلافکاران را تنبیه و به مجازات رساند و نیکوکاران را تشویق نمود. در غیر اینصورت حفظ ارزش‌های انسانی ممکن نخواهد بود. از این لحاظ عقل حکم می‌کند که بدکاران کیفر شوند و به مجازات اعمال نادرست و ناشایست خویش برسند. هر جرمی باید مجازات متناسب با خود را داشته باشد. اگر جرائم ارتكابی از نوعی باشد که با مجازات زندان می‌توان هم جرم را اصلاح و تربیت کرد و از ارتكاب مجدد جرم از سوی او جلوگیری نمود و هم دیگران را از ارتكاب جرایم منصرف کرد و مایه عبرت آنان شد. باید مجرم را به زندان انداخت. با این بیان مشروعیت زندان از نظر عقل هم روشن می‌شود.

۴) مشروعیت زندان از نظر اجماع:

اجماع یعنی اتفاق آراء علمای مسلمان در یک مسئله، از نظر علمای شیعه اجماع از آن نظر حجت است که اگر عموم مسلمین در یک مسئله وحدت نظر داشته باشند. دلیل بر این است که این نظر را از ناحیه شارع اسلام تلقی کرده‌اند. آن اجماعی حجت است که کاشف از قول پیامبر یا امام باشد. در مورد اثبات مشروعیت زندان بوسیله اجماع، بین فقهای شیعه و در کتب آنان اظهار نظر خاصی دیده نمی‌شود، چه در کتب قدما و چه کتب متأخرین موضوعی تحت این عنوان که تقریباً تمامی آنان در مواردی به کیفر زندان فتوا داده‌اند و شاید بتوان ادعا کرد که در مشروعیت زندان از نظر فقهاء اختلافی وجود ندارد زیرا اگر زندان در نظر آنان مشروعیت نداشت هرگز بدان فتوا نمی‌دادند. از سوی دیگر این مطلب گذشت که جمعیت اجماع در کاشفیت آن، از نظر و قول معصوم (ع) است. لذا وقتی که مشروعیت زندان از سنت بدست آمد دیگر نیازی به اثبات آن از راه اجماع وجود ندارد.

فصل سوم: موارد و موجبات زندان در اسلام

در این فصل بر آنیم تا به ذکر مواردی بپردازیم که در احادیث و روایات و فتاوی فقهای اسلامی به کیفر زندان حکم شده

است. هدف اصلی، موجبات زندان در اسلام است، لیکن برای نیل به این مقصود لازم دیده شد تا ابتدا روایات و فتاوا را از نظر بگذرانیم و در نهایت با یک نتیجه‌گیری به موجبات زندان اشاره کنیم. گاهی زندان یک حد است و گاهی هم تعزیر. از این میان تنها زندان به عنوان حد است که مقدار و مورد آن دقیقاً در شرع مقدس اسلام، معین و تعدی از آن به هیچ عنوان جایز نیست. نتیجه‌ای که می‌توانیم بگیریم این است که هر کسی شغلی انتخاب کند به دین، جان و مال مردم (وقتی به آبرو و عقل آنان) مربوط باشد و صلاحیت لازم آن شغل را نداشته باشد. امام حق دارد و باید او را زندانی کند و از ادامه فعالیت او جلوگیری کند.

الف - زندان در جرایم ضد امنیتی:

۱- حبس یاغی: یاغی کسی را گویند که بر امام عادل خروج کند، پیمان خود را با وی بشکند و از فرامین و دستوراتش سرپیچی کند.^{۱۹} مرحوم محدث نوری در کتاب ارزشمند مستدرک الوسائل روایتی به نقل از

گاهی زندان یک حد است و گاهی هم تعزیر. از این میان تنها زندان به عنوان حد است که مقدار و مورد آن دقیقاً در شرع مقدس اسلام، معین و تعدی از آن به هیچ عنوان جایز نیست.

شرح الاخبار از موسی بن طلحه بن عبیدالله آورده است که می‌رساند وی و سایر اسیران جنگ جمل در بصره توسط امام علی (ع) زندانی شدند.^{۲۰}

۲) حبس راهزنان (قطاع طریق):

پیش از این در مبحث مشروعیت زندان دیدیم که مفسرین در آیه نفی (آیه ۳۳ سوره مائده) نفی را به زندان تفسیر کرده‌اند. در روایات نیز روایتی در همین معنی آمده است و ما آن را بیان کردیم: مرحوم حر عاملی در کتاب شریف وسائل الشیعه ج ۱۸ ص ۳۵۶ به نقل از تفسیر عیاشی ج ۱ ص ۳۱۴ از امام جواد (ع) آن را آورده است.

۳) حبس اسیر

ب) زندان در جرایم ضد نفس:

۱) متهم به قتل: وی به مدت ۶ روز حبس می‌شود، در صورتی که اولیاء مقتول بنبه‌ای نیاورند، پس از سپری شدن این مدت آزاد می‌شود.^{۲۱}
۲) کسی که فردی را نگهدارد تا او را به

قتل برسانند^{۲۲}: بنا بر روایات و فتاوی فقهای شیعه، مدت این حبس، ابدی است.

۳) آمر به قتل: از جمله مواردی که در فقه ما در آن ادعای اجماع شده است، مسئله حبس آمر به قتل است.^{۲۳}

۴) حبس ابد قاتل به فرمان مولی: ۲ قول است: گروهی گفته‌اند عبد به حبس ابد محکوم می‌شود. و مولای آمر قصاص می‌شود. گروهی دیگر هم قائل به تفصیل هستند. گروه اولاً: شیخ طوسی در النهایه ص ۷۴۷، المیسوط ج ۷ ص ۴۲، یحیی بن سعید در الجامع للشرایع ص ۶۵۸ آیت الله خویی در مبانئ تکمله المنهاج ج ۲ ص ۱۴.

۵) فرد یا افرادی که قاتل را از دست اولیاء مقتول فراری دهند. این حبس از نوع مدت‌دار است بدین معنی که تا زمانی وی را در حبس نگه دارند که قاتل تحویل داده شود و همانطور که از امام صادق (ع) روایتی در این باره گفته شده است اگر قاتل بمیرد باید دیه مقتول را بپردازند. فقهای شیعه نیز بر همین اساس فتوا داده‌اند. و مابقی را به دلیل تفصیل زیاد از آوردن توضیح درباره آنان خودداری می‌کنیم و به نام بردن آنها بسنده می‌کنیم.
۶- حبس کسی که برده‌اش را با عذاب و شکنجه بکشد

۷- حبس قاتل تا تکمیل شرایط

۸- حبس قاتل فراری

۹- حبس قاتل پس از عفو اولیای مقتول

۱۰- حبس دانشمند فاسق

ج) زندان در جرایم مربوط به دین:

۱) حبس برای ممانعت از ارتكاب محارم الهی: از جمله مواردی که در شرع اسلامی از آن منع شده است. محارم الهی است و هر کس که آن را مرتکب شود مجازات می‌شود. یکی از این محارم، عمل شنیع زناست که طبق آنچه در کتب فقهی روایی آمده است به کیفر عمل زشت خود می‌رسد، برای نمونه مادر زناکار باید فرزندش را در خانه محبوس کند و از خروج وی جلوگیری نماید. منظور از حبس شرعی معنای مکان خاصی وجود ندارد. البته همانگونه که معلوم است این در صورتی است که فرد بر ارتكاب محارم اصرار ورزد که اگر اصرار نداشته باشد، جواز حبس چندان مسلم نیست. مابقی را فقط به ذکر عنوان آن بسنده می‌کنیم.

۲) حبس زناکار با خواهر: حبس ابد

۳) حبس تازه مسلمانی که همسرانی برخلاف احکام اسلامی دارد.

۴) حبس زند مرتد: حبس ابد

۵) حبس ایل کننده: نه با زنش آمیزش کند

حدود مشخص و معین شده است و قابل تغییر و افزایش و کاهش نیست. لذا به تعزیرات عقوبات مفوضه نیز می‌گویند.^{۲۴} از سوی دیگر شریعت اسلامی زندان را هم به عنوان حد پذیرفته و هم به عنوان یک مجازات تعزیری قرار داده است. در مورد خرید زندان، تنها مواردی قابل خرید است که از نوع مجازاتهای تعزیراتی است و به اختیار حاکم واگذار شده است. لذا همانگونه که حاکم شرع می‌تواند در صورتی که مصلحت بداند، محکومان به زندان تعزیری را حبس کند، می‌تواند در صورتی که تشخیص دهد آن را به جزای نقدی تبدیل کند و با جریمه نقدی مجرم را مجازات نماید. از سوی دیگر، با توجه به اختیارات ولی فقیه که از ولایت مطلقه برخوردار است^{۲۵} و با درک صحیح اوضاع اجتماعی و شرایط زمان و مکان و با به مصالح اصولی نظام اسلامی و به تشخیص کارشناسان که ولی فقیه معین می‌کند، در صورتی که به تصویب ولی فقیه برسد، می‌توان گفت که مجازات‌های حدود هم قابل تبدیل است. لذا احتمال اینکه خرید زندان در مورد جرایم حدود هم تجویز شود و محکومان به زندان‌های حدود بتوانند به جای تحمل و طی مدت محکومیت با پرداخت مبالغی که حکومت تعیین می‌کنند، به کیفر برسند. احتمال قوی و قابل قبولی است. یکی از مواردی که حاکم می‌تواند محکوم را عفو نماید. ظهور علائم اصلاح در حال اوست. در اهداف اسلام از مجازات مجرمین هم بیان شده که اسلام قبل از هر چیز به اصلاح و تربیت مجرمان نظر دارد. حال هر طریقی که به نظر حاکم برای اصلاح مجرم مفیدتر باشد، انتخاب می‌شود، اگر به زندان محکوم شد و حاکم تشخیص داد که با تبدیل آن به جزای نقدی و خرید زندان مجرم زودتر اصلاح می‌شود و این راه را برای تربیت و اصلاح او هموار می‌کنند، می‌تواند با دریافت مبلغی که میزان آن به تشخیص خود اوست، زندانی را آزاد کند.

بخش دوم: رفاه زندانیان

فصل اول: اشتغال زندانی

از متون فقهی شیعه و سنی بدست می‌آید که اشتغال به کار زندانیان در داخل زندان یکی از حقوق آنان است که در بعضی از حالات باید زمینه آن برایشان فراهم شود. شهید ثانی در توضیح سخن شهید اول در لمعه می‌فرماید: کسی که به خاطر دزدی برای سومین بار، به زندان ابد محکوم شده است. اگر کسی پیدا شود که مخارج او را تبرعاً بپردازد و یا حاکم از بیت‌المال تامین نکند

قصاص را تکمیل نکرده‌اند
 ۴. قتل عمد (در صورت پرداخت دیه از مال قاتل فراری)
 ۵. قتل عمد (در صورت عفو اولیای مقتول)
 ۶. فراری دادن قاتل از دست اولیای مقتول

د) جرایم مربوط به دین:

۱- ارتکاب محارم الهی
 ۲- زنا با خواهر: در صورتیکه با یک ضرب شمشیر کشته نشود
 ۳- ارتداد زن
 ۴- ایلاذ
 ۵- ظهار
 ۶- حامل بودن زن جهت اقامه حد
 ۷- دانشمند فاسق

ه) جرایم مربوط به مال:

۱- خیانت عامل
 ۲- سوراخ کردن دیوار یا شکستن قفل و ورود غیرمجاز به خانه کسی
 ۳- سرقت توسط سارق بی دست و پا
 ۴- سرقت برای نوبت سوم

در مورد خرید زندان، تنها مواردی قابل خرید است که از نوع مجازات‌های تعزیراتی است و به اختیار حاکم واگذار شده است.

۵- افلاس
 ۶- امتناع از ادای دین
 ۷- امتناع از پرداخت بدهی در رهن
 ۸- ترک نفقه
 ۹- انکار وجود محکوم به از سوی مدعی علیه
 ۱۰- غضب
 ۱۱- خوردن مال یتیم
 ۱۲- خیانت در امانت
 ۱۳- نبش قبر
 ۱۴- جیب بری
 ۱۵- کفالت (برای حاضر کردن مکفول‌عنه)
 ۱۶- عناد ورزیدن در دادگاه
 ۱۷- امتناع از سخن گفتن توسط مدعی علیه
 ۱۸- نکول پیشه کردن مدعی علیه
 ۱۹- غیبت شهود

فصل پنجم: خرید زندان

کیفرهای اسلامی شامل ۴ دسته می‌باشد. حدود، تعزیرات، قصاص و دیات است. از جمله تفاوت‌های حد و تعزیر این است که مقدار و میزان تعزیرات به اختیار حاکم اسلامی واگذار شده است. در حالی که میزان و مقدار

نه او را طلاق دهد
 ۶) حبس مظاهر: ظهار کننده
 ۷) حبس زن حامل برای اقامه حد: ۹ ماه حبس
 ۸) حبس دانشمند فاسق

د) زندان در جرایم مربوط به ما:

۱) حبس عامل خیانتکار: برای نمونه امام علی (ع) در زمان حکومتش ابن عرمه را به جرم خیانت در اهواز دستور به زندانی کردنش داد.
 ۲) حبس نائب: کسی که بی‌اجازه وارد خانه کسی می‌شود اما چیزی همراه خود به بیرون نمی‌برد.
 ۳) حبس سارق اشل و اقطع
 ۴) حبس سارق برای بار سوم
 ۵) حبس مفلس
 ۶) حبس ممتنع از ادای دین
 ۷) حبس راهی
 ۸) حبس تارک نفقه و...

ه) زندان در شهادت:

۱) حبس شهود: می‌توان شهود را در خصوص مسئله وصیت پس از نماز عصر زندانی کرد.
 ۲) حبس شاهد دروغگو

فصل چهارم: موجبات زندان در اسلام

گفتیم که هدف اصلی ما از این بخش اشاره به گوشه‌ای از موجبات زندان در شریعت اسلامی است. لکن از آنجایی که در روایات و فتاوی فقهای ما به موارد زندان پرداخته شده است مناسب دیدیم پیش از بیان موجبات زندان به موارد آن پردازیم. سپس نتایج حاصله را در قالب بیان موجبات زندان عرضه نماییم. لذا در این قسمت به بیان موجبات زندان می‌پردازیم.

الف) جرایم سالب امنیت اجتماعی:

۱. بغی
۲. راهزنی
۳. جنگ و امارت

ب) جرایم ضد نفس:

۱. اهتمام به قتل
۲. معاونت در قتل: الف - گرفتن مقتول تا دیگری او را بکشد. ب - دستور به قتل دیگری

ج) مباشرت در قتل:

۱. برده قاتل مامور به قتل از سوی مولی
۲. قتل برده
۳. قتل عمد که اولیای مقتول شرایط

باید خودش عهده‌دار مخارجش شود. این عبارت صراحت دارد که باید زندانی برای تامین مخارج خود اگر مالی نداشته باشد ولی قدرت کار داشته باشد، مشغول کار گردد. دیگر کسی که اشتغال بکار زندانی را در خارج زندان جایز دانسته ابن‌النجار حنبلی است وی در مورد احکام فعلی می‌گوید: جایز است آزاد گذاشتن زندانی و اجازه دادن به او که در ادای دین و تامین معاش عائله و خانه خودش و بطور کلی در احداث ساختمان‌های فعالیت داشته باشد.^{۳۲}

فصل دوم: مخارج و مسکن زندانی

اصولاً مخارجی که در این باره به مصرف می‌رسد از جهتی به ۲ دسته تقسیم می‌شود: ۱- مخارج زندان ۲- مخارج زندانی. منظور از مخارج زندان هزینه‌ای است که برای ساختمان، پرسنل اداری و انتظامی و سایر تشکیلات وابسته به مصرف می‌رسد. مخارج زندان: مخارجی است که صرف خوراک و پوشاک شخص زندانی می‌گردد، در اینکه مخارج زندان باید توسط حکومت و از بیت‌المال هزینه شود اختلافی به نظر نمی‌رسد زیرا حفظ مصالح و امنیت نظام ایجاب می‌کند که مرکزی برای تنبیه و تادیب مجرمان وجود داشته باشد. در تاریخ اسلام نیز موردی سراغ نداریم که مخارج زندان جز از بیت‌المال تامین شده باشد در زمان رسول اکرم (ص) مکان مخصوص برای زندان وجود نداشت تا مستلزم هزینه‌هایی باشد که برای تامین آن چاره‌جویی شود. در آن دوره زندانیان در مسجد حبس و یا بین اصحاب تقسیم می‌شدند.^{۳۳} در زمان امام علی (ع) بود

که مکان مخصوص برای زندانیان اختصاص یافت. آن حضرت در مرکز خلافت خود شهر کوفه دو زندان از نی و بوریا به نام‌های نافع و معین ساخت.^{۳۴} در منابع تاریخی و روایی ندارد که حضرت مخارج آن را از جایی و یا از مجرمان محکوم گرفته باشد. مخارج زندانی: روایات وارده از پیشوایان نظریه پرداخت مخارج زندانی از بیت‌المال دارد. اکثر روایات در مورد دزدی است که برای بار سوم دست به سرقت زده است.^{۳۵} بعضی هم نظریه ابدی بودن زندان دارد لکن در مورد فردی که کسی را گرفته تا دیگری او را بکشد و زن مرتد و دزد.^{۳۶} بعضی از روایات هم به ابدی بودن اشاره دارد. اما فقط در مورد خوراک و طعام محکومان است و سایر مخارج آنها را در بر نمی‌گیرد.^{۳۷} بحث این است که آیا می‌توان حکم را به تمام موارد تعمیم داد یا نه؟ نظرات فقهاء در این باره چیست؟ ابتدا روایات و سپس فتاوی فقها را می‌آوریم. سَمَاتَه گوید: از امام (ع) در مورد سارقی پرسیدم که دستش را قطع کرده‌اند. امام فرمود «قطع کنند پایش را بعد از اینکه دستش را قطع کردن پس اگر دوباره دزدی کرد او را به زندان افکنند و مخارج او را از بیت‌المال مسلمین بپردازد. امام صادق (ع) فرمود «بعد از قطع کردن پای سارق بعد از آنکه دستش را قطع کرده باشند. اگر دوباره دزدی کرد پس باید او را به زندان افکنند و مخارج او را از بیت‌المال مسلمین تامین کنند. فقها برحسب روایات فتوا داده‌اند و قائل به تفصیل شده‌اند. بدین معنی که گفته‌اند اگر محکوم مالی داشته باشد، از همان محل مخارجش تامین می‌شود. اما اگر فقیر باشد

باید مخارجش از بیت‌المال پرداخت گردد به هر حال آنچه می‌توان از مجموع روایات و فتاوی فقها بدست آورد این است که باید دید وضع مالی محکوم چگونه است؟ در صورتی که قادر است و مکنت مالی دارد از اموالش مخارج شخصی او را تامین و الا از بیت‌المال و بودجه عمومی کشور تامین گردد.

فصل سوم: ارتباط زندانی با خارج زندان

مسئله مورد بحث در اینجا این است که آیا زندانی در مدتی که محکومیت خویش را سپری می‌کند و در زندان است، می‌تواند با خارج از زندان از طریق نامه، ملاقات و مرخصی ارتباط داشته باشد؟ و اصولاً خارج شدن زندانی در طول مدت محکومیت از زندان چه حکمی دارد؟ مراجعه به روایات دینی و فتوای فقهای اسلامی موضوع را روشن می‌سازد. نه تنها از خروج زندانی از زندان مانع ایجاد نکرده‌اند بلکه در بعضی موارد گفته‌اند که باید امام زندانیان را برای انجام بعضی از عبادات از جمله نماز عید فطر و قربان بیرون ببرد. جواز خارج شدن زندانی از زندان را می‌توان به آسانی از روایت رفاقه بن شداد از دستورالعمل امام علی (ع) در مورد عامل خائنش ابن هرمه استفاده کرد. پس چون روز جمعه شد. او را از زندان خارج کن و ۲۵ ضربه شلاق به او بزن.^{۳۸} در روایات هم آمده است که بر امام است که زندانیان را برای حضور در نماز جمعه و نماز عید بیرون برد و پس از ادای نماز آنها را به زندان برگرداند یکی از این روایات می‌گوید: امام صادق (ع) فرمود «بر امام است که در روزهای جمعه و روزهای عید زندانیان



در صورتی که حاکم اسلامی تشخیص دهد. برقراری ارتباط زندانی با بیرون برخلاف مصالح نظام اسلامی و برعلیه امنیت جامعه است، می‌تواند از برقراری چنین ارتباطی ممانعت کند.

و روایات پیشوایان دینی تاکید فراوان بر عفو و گذشت شده است. در اینجا به گوشه‌ای از آن، اشاره می‌کنیم.
قرآن:

۱- «... و الکاظمین الغیظ و العافین عن الناس و الله یحب المحسنین»^{۴۵}

۲- «فاعف عنهم و اصفح ان الله یحب المحسنین»^{۴۶}
روایات:

۱- «الندامه غفلی العفو افضل و اسیر من الندامه علی العقوبه»^{۴۷}

۲- «اولی الناس بالعفو اقدرهم علی العقوبه»^{۴۸}

این بود گوشه‌ای از آیات و روایات که بر گذشت و عفو ترغیب و تشویق و آنرا تاکید می‌کند. در لسان مردم هم گویند: «حلاوتی که در عفو است در انتقام نیست»
حال به بررسی عفو و بخشودگی در حدود و تعزیرات می‌پردازیم.

حساب حد و کیفر و مجازات شرعی از حساب شکنجه و تعذیب و عذاب‌های روحی و روانی که به ناحق افراد متهم متحمل آن می‌شوند جداست.

الف) حدود

روایتی داریم از امام صادق (ع) که می‌رساند حق عفو و بخشودگی در حدود به احدی جز امام تعلق نمی‌گیرد.

«لا یعفی عن الحدود التی الله دون الامام فاما ما کان من حق الناس فی حد فلا یاس ان یعفی عنه دون الامام» از این روایت بدست می‌آید که در حدودی که حق الله است احدی حق عفو و گذشت ندارد مگر امام. مفهوم روایت این است که امام می‌تواند از حدودی که حق الله است گذشت کند و مجرم را ببخشد. اما تصریح در آن ندارد. لذا آن را بر موردی حمل می‌کنند که به اقرار مجرم ثابت شده است. این مورد را نیز روایت بیان کرده است این تفصیل در شرایط و اوضاع و احوال عادی جامعه اسلامی است. اما با توجه به اختیارات گسترده ولی فقیه در ولایت مطلقه و آنجا که می‌تواند به منظور حفظ نظام و مصالح اسلامی از اقامه نماز و روزه جلوگیری و مدتی انجام فریضه حج را تعطیل کند. مسلماً می‌تواند در صورتی که مصلحت

روحی و روانی که به ناحق افراد متهم متحمل آن می‌شوند جداست. حد بر اساس ضوابط و معیارها و موازین فقهی و شرعی است که تا در محکمه شرعی به اثبات نرسد، مجازات قابل اجرا نیست و چون ثابت شد، تحلیل آن روا نمی‌باشد. بر عکس شکنجه که هیچ‌گونه ضابطه و معیار معینی ندارد. در حالی که حد و کیفر عملی است معقول و براساس فلسفه اصلاحی و تربیتی. شکنجه عملی است وحشیانه و خلاف انسانیت. حد و کیفر را اسلام تجویز و شکنجه و تعذیب را ممنوع ساخته است. از سوی دیگر مجازات‌هایی هست که در بعضی از موارد همراه با کیفر جسمی، محکومان باید بدان نیز مجازات شوند. ما از این نوع مجازات‌ها به مجازات‌های تکمیلی یاد می‌کنیم. که در روایات دینی آمده است.

۱- تادیب و تعزیر: در قتل عمد که اولیای مقتول عفو کنند. حاکم، قاتل را زندانی و تادیب هم می‌کند.^{۴۹}

۲- تازیانه: در روایات از آن به ضرب یاد شده. الف) عامل خائن^{۳۵} ب) کسی که موی زنی را بکند.^{۳۶} کسی که دیواری را سوراخ، قفل خانه‌ای را بشکند و یا بدون اجازه وارد خانه‌ای گردد ولی چیزی را بر ندارد،^{۳۷} طرار و مختلس^{۳۸}

۳- جریمه نقدی: کسی که غلامش را عذاب و شکنجه کند^{۳۹}

۴- در فشار قراردادن زنی که ارتداد پیشه کرده است از جهت غذا و طعام^{۴۰}

۵- تنکیل و غذاب کردن: کسی که برده‌اش را با عذاب و شکنجه کشته^{۴۱} نباشی که به عمل زشت نبش قبر می‌پردازد ولی کفن را نبرده است.

۶- تشهیر: که در ۲ مورد آمده است: عامل خائن^{۴۲} و شاهد دروغگو^{۴۳} ۷- غل و زنجیر: حضرت امیر (ع) در نفاقه، دین، قصاص، حدود و دیگر حقوق مجرمان را زندان و افراد شرور و مفسد را با غل و زنجیر می‌بست.^{۴۴}

فصل ششم: عفو و بخشودگی

آنچه در این قسمت مد نظر است اینکه: آیا زندان قابل عفو و بخشودگی است؟ چه مرجعی می‌تواند نسبت به عفو زندانیان اقدام کند؟ در این باره به قوانین وضعی نظر نداریم. چیزی که بیش از هر چیز مهم است این است که پاسخ پرسش خود را در میان روایات دینی جستجو کنیم. اصولاً عفو و گذشت از خطای خطاکاران در تربیت اسلامی یک ارزش است. همان اندازه که انتقام یک ضدارزش و یک پدیده مذموم است عفو و گذشت قابل تحسین و ستایش است. در قرآن کریم

را از زندان خارج سازد. پس زمانی که آنها نماز خواندن و مراسم عید را به جا آوردند آنها را به زندان برگردانند.^{۳۳} از این روایت هم می‌توان جواز ارتباط با بیرون از زندان را استفاده کرد البته با توجه به اهداف تربیتی اسلام از زندان در صورتی که بیرون رفتن و ارتباط با خارج از زندان به حال محکوم در جهت بهبودی مفید باشد، احتمال تاکید آن می‌رود. در بخشی از روایت رفاعه امام دستور می‌دهد که مانع برقراری ارتباط کسانی که برای این هر مه غذا، آب، پوشاک می‌آورند نشود مگر کسانی که به او خصومت و کینه می‌آموزند و امید آزادی به او می‌دهند. از این بخش از دستورالعمل امام به خوبی بر می‌آید که حق ملاقات برای زندانی محفوظ است و حاکم نمی‌تواند بدون عذر مانع از ملاقات با زندانی شود. مگر اینکه چیزی به او یاد دهند که به ضرر جامعه اسلامی باشد. بر این اساس و بر پایه یک قاعده کلی که مربوط است به حفظ امنیت و مصالح نظام اسلامی. می‌توان گفت در صورتی که حاکم اسلامی تشخیص دهد. برقراری ارتباط زندانی با بیرون برخلاف مصالح نظام اسلامی و برعلیه امنیت جامعه است، می‌تواند از برقراری چنین ارتباطی ممانعت کند.

فصل چهارم: کفالت خانواده زندانی

آنچه برای صیانت خانواده زندانیان باید صورت گیرد این است که مرجع صلاحیت‌دار مشخصی بطور رسمی متکفل این خانواده‌های بی سرپرست و در معرض متلاشی شدن گردد و اقداماتی را در جهت تامین این اهداف انجام دهد. از جمله اقداماتی که این موسسه می‌تواند انجام دهد. اشتغال و کاریابی برای خانواده زندانیان در جهت خودکفای اقتصادی، آموزش و پرورش و حسن اجرای آن برای فرزندان زندانیان، ترتیب دادن مسافرت‌های سیاحتی، زیارتی، ترتیب دادن مرخصی‌های کوتاه مدت ساعتی و روزانه و چند روزه برای زندانیان جهت سرکشی از خانواده، تشکیل جلسات مشاوره روانی و تربیتی برای خانواده‌ها، ترتیب دادن ملاقات‌هایی با زندانیان در محیطی عاطفی و روانی در محل مناسبی در داخل زندان برای فرزندان و خانواده‌های زندانیان تا بتوانند به راحتی با هم گفتگو کنند.

فصل پنجم: ممنوعیت شکنجه در زندان

حساب حد و کیفر و مجازات شرعی از حساب شکنجه و تعذیب و عذاب‌های

اسلام را در آن ببیند، از حدود الهی هم گذشت نماید. حدود در ۲ مورد قابل عفو است.

۱- در جایی که جرم از راه اقرار مجرم ثابت شده است.

۲- توبه قبل از ثبوت جرم بوسیله بینه.

ب) تعزیرات

در تعزیرات که کم و کیف آن بدست حاکم اسلامی است و هرگونه مصلحت جامعه اسلامی را تشخیص دهد، عمل می‌کند. عفو و بخشودگی هم بدست حاکم است. لیکن در اینجا هم باید ملاحظه حق الله و حق الناس صورت گیرد.

عفو و بخشودگی در زندان:

زندان می‌تواند حد باشد یا تعزیر. آن قسمت از موارد زندان که حد است، اگر از راه اقرار ثابت شده و حق الله باشد، امام می‌تواند با معیارهایی که دارد، زندانی را عفو کند. اما اگر در آن حق الناس غلبه دارد باید رضایت مجنی علیه جلب و در حقیقت صاحب حق مجرم را عفو کند. آن قسمت از موارد زندان که تعزیراتی است نیز ۲ جنبه دارد. قسمتی حق الناس است که در صورت رضایت صاحب حق قابل عفو و گذشت است و قسمتی هم که حق الله است بدست حاکم اسلامی است. در صورتی که علائم اصلاح و تربیت و مصالح جامعه و امنیت نظام را در آن تشخیص دهد، زندانی را مورد عفو و بخشودگی قرار می‌دهد.

نتیجه‌گیری:

با توجه به مباحثی که از منابع چهارگانه فقه اسلامی آوردیم، مشروعیت مجازات زندان روشن شد. آیات ۱۵ سوره نساء و ۱۰۶ سوره مائده و ۵ سوره توبه بنا بر نظر مفسران شیعه و سنی بر مشروعیت زندان در اسلام تأکید دارد. سنت قولی و عملی هر دو صراحت دارد که باید در مواردی مجرم را به زندان محکوم کرد. فقهای امت اهم در این باره نظر مثبت دارند. از دیدگاه عقلی هم مشروعیت زندان را دیدیم. از سوی دیگر جایگاه زندان در مجازات‌های اسلامی هم روشن شد. دیدیم که مواردی از مجازات‌های زندان حد است و موارد بیشتر آن تعزیر. مواردی که در فقه اسلامی و روایات پیشوایان دینی به حبس مجرم حکم شد، معلوم گشت در آنجا متذکر شدیم که این موارد توقیفی نیست. درخصوص موارد تعزیری حاکم اسلامی می‌تواند هرگونه مصلحت فرد و جامعه را تشخیص دهد، عمل نماید. می‌تواند کم کند

یا افزایش دهد. عفو و بخشودگی را در زندان دیدیم که در موارد تعزیری آن در اختیار حاکم شرع است و در موارد دیگر هم یا مدت آن معلوم است یا مشروط به تحقق شرطی از قبیل توجه و اصلاح حال مجرم است. مخارج و هزینه‌های زندان و زندانی معلوم شد که بر عهده کیست. آنچه از تمام مطالب مندرج در این مختصر بدست آوردیم، همان مشروعیت زندان در فقه اسلامی است که رسالت اصلی این خلاصه همان بود که ببینیم آیا در اسلام کیفری به نام زندان داریم یا نه؟

مواردی از مجازات‌های زندان حد است و موارد بیشتر آن تعزیر.

- کتاب‌نامه:**
- ۱- قرآن کریم.
 - ۲- نهج البلاغه.
 - ۳- آخوندی محمود. آئین دادرسی کیفری، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۹ ه.ش.
 - ۴- ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، قم، منشورات مکتبه آیت الله العظمی المرعشی النجفی، ۱۴۰۴ ه.ق.
 - ۵- ابن بابویه (صدوق) ابو جعفر محمد بن علی بن حسین، علل الشرایع، بیروت، موسسه الاعلمی، ۱۴۰۸ ه.ق، ۱۹۸۸ م.
 - ۶- ابن بابویه (صدوق) ابو جعفر محمد بن علی بن حسین، من لایحضره الفقیه، تصحیح علی اکبر غفاری، قم، جماعه المدرسین، بی تا، ج ۲.
 - ۷- ابن ماجه، محمد بن یزید القزوینی، السنن، بیروت، دار الاحیاء التراث العربی، بی تا.
 - ۸- ابن منظور، ابوالفضل جمال الدین محمد بن المکرّم، لسان العرب، قم، نشر ادب الحوزه، ۱۴۰۵ ه.ق.
 - ۹- ابوداود، سلیمان بن الأشعث، السنن، تحقیق: محمد محی الدین عبدالحمید، بی جا، دار احیاء السنه للمحمدیه، بی تا.



- ۱۰- العصا، ابوبکر احمد بن علی، احکام القرآن، تحقیق: محمد الصادق القمحاوی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
- ۱۱- الجوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح، تاج اللغة و صحاح العربیه، تحقیق: احمد بن الغفور عطار، بیروت، دارالعلم للملایین، ج ۴، ۱۴۰۷ ه. ق. ۱۹۸۷ م.
- ۱۲- حرعاملی، محمد بن الحسن، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، تحقیق: عبدالرحیم الربانی الشیرازی، تهران، مکتبه الاسلامیه، ج ۶، ۱۴۰۳ ه. ق.
- ۱۳- الحلبي، ابوالصلاح، الکافی فی الفقه، تحقیق: رضا استادی، اصفهان، مکتبه امام امیرالمومنین (ع)، بی تا.
- ۱۴- حلی، ابوالقاسم نجم الدین (محقق)، شرایع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام، تحقیق: عبدالحسین محمد علی، بیروت، دارالاضواء ج ۲، ۱۴۰۳ ه. ق.
- ۱۵- الدار قطنی، علی بن عمر، اسنن، بیروت، عالم الکتب، بی تا.
- ۱۶- دانش، تاج زمان، حقوق زندانیان و علم زندانها، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۸ ه. ش.
- ۱۷- راغب اصفهانی، ابوالقاسم محمد بن الحسین بن المفضل، المفردات فی غریب القرآن، تهران، نشر کتاب، ج ۲، ۱۴۰۴ ه. ق.
- ۱۸- رضا، محمد رشید، تفسیر المنار، بیروت، دارالمعرفه، ج ۲، بی تا.
- ۱۹- الزبیدی، محمد مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت، دار المکتبه الحیاه، بی تا.
- ۲۰- سنگلجی، محمد، آیین دادرسی در اسلام، ب کوشش: محمد رضا بندرجی قزوینی، طه، ۱۳۶۹ ه. ش.
- ۲۱- الطباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، جماعه المدرسین، بی تا.
- ۲۲- عبدالباقی، محمد فواد، المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم، بیروت، دار احیاء التراث، بی تا.
- ۲۳- الفیروز آبادی، مجدالدین محمد بن یعقوب، القاموس المحیط، بیروت، دارالجلیل، بی تا.
- ۲۴- قرشی، سید علی اکبر، سیری در اسلام، قم، دارالتبلیغ، ج ۲، ۱۳۵۴ ه. ش.
- ۲۵- مظفر، محمد رضا، اصول الفقه، بیروت، دارالمعارف، ج ۴، ۱۴۰۳ ه. ق.
- ۲۶- مغنیه، محمد جواد، التفسیر الکاشف، بیروت، دارالعلم للملایین، ج ۳، ۱۹۸۱ م.
- ۲۷- مغنیه، محمد جواد، فقه الامام جعفر الصادق (ع)، بیروت، دارالجواد، ج ۴، ۱۴۰۲ ه. ق. ۱۹۸۲ م.
- ۱۳- الاصول العامه للفقہ المارن، ص ۱۲۲
- ۱۴- اصول الفقه (مظفر) ج ۲، ص ۵۷
- ۱۵- سنن ابی داود ج ۱۰، ص ۵۸، مستدرک جاکم ج ۴، ص ۱۰۲
- ۱۶- سنن ترمذی ج ۴، ص ۲۸، سنن نسائی ج ۸، ص ۶۶
- ۱۷- وسائل الشیعه ج ۱۸، ص ۴۹۴، فروع کافی ج ۷، ص ۲۲۴
- ۱۸- من لایحضره الفقیه ج ۴، ص ۱۰۹، فروع کافی ج ۷، ص ۲۸۹، تهذیب الاحکام ج ۱۰، ص ۲۲۳، وسائل الشیعه ج ۱۹، ص ۳۴
- ۱۹- النهایه، ص ۲۹۶، قواعد الاکام ج ۱، ص ۱۱۸، شرح لمعه ج ۲، ص ۴۰۲
- ۲۰- مستدرک الوسائل ج ۱۱، ص ۵۷
- ۲۱- وسائل الشیعه ج ۱۹، ص ۱۲۱-دراسات فی ولایه الفقیه ج ۲، ص ۴۷۷، جواهر الکلام ج ۱، ص ۲۶۰
- ۲۲- کافی ج ۷، ص ۲۸۷ (ج ۱ و ۲ و ۳ و ۴) من لایحضر الفقیه ج ۴، ص ۱۱۸-۱۱۵ (ج ۱ و ۲ و ۳ و ۴ و ۵ و ۶ و ۷ و ۸ و ۹) تهذیب الاحکام ج ۱۰، ص ۲۱۹ و...
- ۲۳- شهید ثانی شرح لمعه ج ۱۰، ص ۷۲- ابو الصلاح حلبی در الکافی فی الفقه - ۳۸۷ شیخ طوسی در النهایه، ص ۷۴۷ محقق حالی در شرایع الاسلام ج ۴، ص ۱۹۹
- ۲۴- فقه الامام صادق (ع) ج ۶، ص ۲۵۶
- ۲۵- سخن آفتاب، ص ۲۷۳ به نقل از صحیفه نور ج ۲۰، ص ۱۷۳
- ۲۶- منتهی الارادات، ج ۲، ص ۵۸۳
- ۲۷- آثار العرب فی الفقه السلامی، ص ۳۸۵، احکام زندان در اسلام، ص ۱۲۴
- ۲۸- تاج العروس، ج ۴، ص ۱۴۵-۱۴۴
- ۲۹- تهذیب الاحکام ج ۱۰، ص ۱۰۴-۱۰۷ فروع کافی ج ۷، ص ۲۲۴، ۲۲۴، وسائل الشیعه ج ۱۸، ص ۴۹۳
- ۳۰- دعائم الاسلام ج ۲، ص ۵۲۹، مستدرک الوسائل ج ۱۷، ص ۴۰۳، ج ۱۸، ص ۲۶
- ۳۱- تهذیب الاحکام ج ۶، ص ۱۵۳، وسائل الشیعه ج ۱۱، ص ۶۹
- ۳۲- دعائم الاسلام ج ۲، ص ۵۳۳-۵۳۲، نهج السعاده ج ۵، ص ۳۵
- ۳۳- همان منبع
- ۳۴- کافی ج ۷، ص ۲۵۶، الاستبصار ج ۴، ص ۲۵۵
- ۳۵- تهذیب الاحکام ج ۱۰، ص ۲۳۵، کافی ج ۷، ص ۳۰۳
- ۳۶- دعائم الاسلام ج ۲، ص ۴۷۶
- ۳۷- مستدرک الوسائل ج ۱۷، ص ۴۳۰
- ۳۸- تهذیب الاحکام ج ۶، ص ۲۸۰
- ۳۹- مسند زید، ص ۲۶۵
- ۴۰- مستدرک الوسائل ج ۱۸، ص ۱۳۶
- ۴۱- دعائم الاسلام ج ۲، ص ۵۳۲
- ۴۲- نهج السعاده ج ۴، ص ۳۴
- ۴۳- وسائل الشیعه ج ۱۸، ص ۲۲۴
- ۴۴- الکافی ج ۶، ص ۲۸۴
- ۴۵- آل عمران / ۱۳۴
- ۴۶- مائده / ۳۱
- ۴۷- اصول کافی ج ۲، ص ۱۰۸
- ۴۸- نهج البلاغه ص ۵۲ کلمات قصار

پی نوشتها

- ۱- صحاح اللغة، ج ۵، ص ۲۱۳۳
- ۲- صحاح اللغة، ج ۳، ص ۹۱۵
- ۳- صحاح اللغة، ج ۲، ص ۹۱۵
- ۴- المفردات فی غریب القرآن، ص ۱۰۶
- ۵- معالم الحکومه الاسلامیه، ص ۴۶۲
- ۶- الترتیب الاداریه، ج ۱، ص ۲۹۵ و ۲۹۷ به نقل از بدائنه السلک حکم حبس فی الشریعه الاسلامیه، ص ۳۰
- ۷- آیین نامه زندانها و بازداشتگاهها مصوب ۱۳۴۷ ش
- ۸- مسند زید، ص ۳۲۳
- ۹- الاحکام السلطانیه، ص ۷۹، المنار ج ۶، ص ۳۶۱، الکشاف ج ۱، ص ۶۲۸، مجمع البیان ج ۳، ص ۲۹۲
- ۱۰- اکام القرآن حصاص ج ۲، ص ۴۱۲، احکام القرآن، بن العربی ج ۲، ص ۶۰۱
- ۱۱- تنویر المقیاس در حاشیه سیوطی ج ۱، ص ۳۳۵
- ۱۲- وسائل الشیعه ج ۱۸، ص ۵۳۶-۵۳۵